

## مجلس دوم شورای ملی و نقش انگلیس و روسیه در انحلال آن

علی اصغر رجبی<sup>۱</sup> و وحید نجفی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰ / ۰۷ / ۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰ / ۰۷ / ۲۵

### چکیده

ایران پس از سال‌ها تلاش در سال ۱۳۸۵ ه.ش موفق شد از پادشاه (مظفرالدین شاه) تأییدیه تشکیل مجلس شورای ملی را بگیرد. عزل محمدعلی شاه و نیابت ناصرالملک حوادث مهم تا تشکیل مجلس دوم بود. در ایران آن‌چنان که لازم بود برای شکل‌گیری مجلس و دولتی که به‌طور منظم با هم در ارتباط باشند، بنیاد محکمی آماده نشده بود. حضور دولت‌های دیگر در ایران که مهم‌ترین آن‌ها روسیه و انگلیس بودند، خود مانعی بزرگ به‌شمار می‌آمد. هم‌چنین، وجود رجال سیاسی بزرگ که هرکدام سیاست خاص خود را دنبال می‌کردند، بر وخامت اوضاع می‌افزود. با شکل‌گیری مجلس، نظراتی برای بهبود اوضاع در ایران مطرح شد که در نتیجه برای استخدام مستشار آمریکایی که کشوری مهم و بی‌طرف بود، رأی صادر شد. به همین جهت مستر شوستر با هیئتی وارد ایران شد و به‌عنوان خزانه‌دار کل مشغول به کار شد. اما او ابتدا با کاهش قدرت اشراف و بزرگان، کوتاه شدن دست بیگانگان در ایران و... سبب شد تا بر علیه‌ش هجمه‌هایی بزرگ صورت بگیرد. به رغم خروج شوستر از ایران فشار سیاسی تا حدی بالا بود که مجلس دوم منحل شد و در نتیجه دولت و نائب السلطنه قدرت اصلی را در دست گرفتند. مجموعه‌ای کتب و مقالات موجود درباره اولتیماتوم به وضعیت ایران و نقش روسیه اشاره دارند که در این مقاله به عنوان منابع یاد شده است. ما برآنیم به نقش انگلیس اشاره کنیم و از حمایت‌های انگلیس نسبت به روسیه سخن خواهیم گفت. در این مقاله از روش تحلیلی - توصیفی و کمک از منابع کتابخانه استفاده شده است.

**کلید واژه‌ها:** اولتیماتوم، روسیه، انگلیس، مجلس دوم شورای ملی، انحلال مجلس.

**استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)**

رجبی، علی اصغر؛ نجفی، وحید (۱۴۰۰). «مجلس دوم شورای ملی و نقش انگلیس و روسیه در انحلال آن».

پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال چهارم، شماره چهارم، پیاپی ۱۶، صص ۳۶-۱۵.

<sup>۱</sup> استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. ایمیل:

Aliasghar.rajab@khu.ac.ir

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی. گروه تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

ایمیل: vnajafi97@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رعایت شرایط، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

در هر کشوری حفظ ارزش‌ها و قدرت سیاسی یک موضوع مهم تلقی می‌گردد. آن‌چه در ایران دوره قاجار به‌عنوان قدرت سیاسی در نظر گرفته شد، تنها در دست شاه بود و شاه به‌عنوان سایه خدا بر زمین حکومت می‌کرد.

در اواخر عمر مظفرالدین شاه با تلاش گروهی که به مشروطه خواهان معروف شدند، مجلس در ایران شکل گرفت. مجلس اول که مترقی‌ترین مجلس بود، بعد از دو سال با آتش توپ‌های لیاخوف روسی به پایان رسید و در سال ۱۲۸۸ ه.ش مجلس دوم شکل گرفت که در دوره خود حوادث مهمی را تجربه کرد. مجلس دوم از ابتدا به دنبال ایجاد آرامش بود و با استخدام افرادی از دیگر کشورها شرایط را مهیا کرد. اما این مهم به مزاج دولت‌های قدرتمند روسیه و انگلیس خوش نیامد و همواره برای ایران موانعی را ایجاد کردند، در این مورد برخی رجال ایران از جمله نایب السلطنه (ناصرالملک) با آنان همراه بودند. در نهایت در تاریخ دوم محرم ۱۳۳۰ ه.ق مصادف با دیماه ۱۲۸۹ ه.ش منحل شد.

اما این پایان کار نبود و روسیه و انگلیس در روزهای بعد نیز دست به اقداماتی از جمله حمله به صحن امام رضا علیه السلام داشتند. اما آن‌چه که مسلم است تعلل مجلس و دولت در این دوره سبب شد تا مجلسی که با تلاش بسیاری شکل گرفته بود کنار رود و مدت سه سال نیز این مهم تحقق نیابد. مسئله گمشده در این دوران پاسخ به سؤال نقش انگلیس و روسیه در انحلال مجلس دوم چگونه بوده است؟ در این مقاله ما به دنبال عوامل بیگانه روس و انگلیس هستیم که توانستند با رخنه در بین دولت مردان و تحت تأثیر قرار دادن آنان مجلس دوم شورای ملی را منحل سازند.

## ۲. زمینه‌های اعلام اولتیماتوم

پس از خاتمه جریان پارک اتابک، دولت فرصت پیدا کرد تا به فکر اصلاحات اساسی بیفتد و راهی را در پیش بگیرد که کشورهای مترقی رفته‌اند و کامیاب شده‌اند و وضع آشفته مملکت را سامان بدهد. روس و انگلیس که همیشه از نبود امنیت شکایت داشتند، پس از جریان پارک اتابک و از میان رفتن مجاهدین از فشار خود کاستند و دولت را تا حدودی به حال خود گذاشتند. از مهم‌ترین مسائلی که هر دولتی برای بقای مملکت خود باید در درجه اول مورد توجه قرار دهد و برای وصول به آن مجاهدت کند، موضوع امنیت عمومی و بهبودی وضع اقتصادی و تعادل در دخل و خرج بودجه مملکت است. دولت نوبنیاد نیز چون می‌خواست اداره امنیت عمومی و اصلاحات مالی را بر اساس اصول کشورهای مستقل پایه‌گذاری کند، پس از مشورت با زعمای ملت و رهبران مجلس موافقت می‌کند مستشارانی از طرف ممالک متمدن و بی‌طرف که دارای سیاست خاصی در ایران

نباشند و دو دولت همسایه نیز نسبت به آنان بدبین نباشند، به ایران دعوت کند و زمام اداره‌ی امنیت و اقتصاد را به آنان بسپارد.

تأکید بر بی طرف بودن دولت فراگیر که اقتصاد کشور را به دست بگیرد، نشان دهنده‌ی دخالت های بیش از حد روس و انگلیس در ایران بود. مجلس بر آن شد تا پس از بررسی شایستگی نسبی بلژیکی ها، ایتالیایی ها و سویسی ها از آمریکایی ها دعوت به عمل آورد. اینان چون اتباع دولتی بزرگ بودند، از تهدیدهای دولت روس و انگلیس بیمی نداشتند، و چون آمریکایی بودند کسی را تهدید نمی کردند. سنت پترزبورگ و لندن مایل نبودند که در آینده فرانسویان وزارت مالیه ایران، ایتالیایی ها ژاندارمری و اتریشیان قشون را اداره کنند. معاون وزارت امور خارجه روسیه نراتف و کاردار سفارت انگلیس در این کشور موافقت کردند که باید دولت ایران را از استخدام اتباع خارجی، به جز اتباع دولت های کوچک، منع کرد. هنگامی که سفیر ایتالیا پرسید آیا روس و انگلیس نسبت به خدمت گرفتن ایتالیایی ها برای دولت ایران اعتراض دارند یا نه؟ سر ادوارد گری نوشت که اشتغال اتباع ایتالیا، دو دولت روس و انگلیس را در موقعیتی بسیار دشوار قرار خواهد داد. سرانجام مجلس از آمریکایی ها دعوت کرد؛ زیرا آمریکا دولتی بزرگ بود و از روس و انگلیس واهمه ای نداشت و از طرف دیگر بنا بر قول وزیرمختار روس، ایالات متحده آمریکا یک دولت معظم اروپایی نیست و در آن جا مسائل سیاسی ندارد. معاون وزارت مالیه، لایحه ای درباره‌ی استخدام دو نفر مستخدم آمریکایی و یک نفر اروپایی برای وزارت مالیه به مجلس تقدیم، و تقاضا کرد با فوریت در همین جلسه مطرح شود؛ لایحه‌ی مزبور با کسب ۶۲ رأی از ۶۶ رأی، به تصویب رسید (ملک زاده، ۱۳۷۳: ۶ / ۱۳۵۵).

دولتمردان ایرانی آن چنان که دم از مشروطه می زدند همگام با آن موافق نبودند و این گروه که اکثر از طبقه اعیان و ملاکان بزرگ بودند، زندگی خود و دارایی شان را در خطر می دیدند در نتیجه با تفکر و ایده های مختلفی به مقابله با مشروطه پرداختند البته این اقدام تقریباً خنثی شد. انتخاب ناصرالملک به عنوان نایب السلطنه از ناچاری بود و او با مجلس نتوانست حتی به توافقی موقت برسد. به بیان دیگر پس از فتح تهران دو حزب انقلابی و دیگری اعتدالی نتوانستند به وحدت برسند. این احزاب به دموکرات عامیون و اجتماعیون اعتدالیون رسمیت یافتند. مقررات دموکرات ها و مرامشان مواردی از قبیل انفکاک کامل قوه سیاسی از روحانی، ایجاد نمودن نظام اجباری، تقسیم املاک، قانون منع احتکار، تعلیم اجباری، بانگ فلاحتی، ترجیح مالک غیرمستقیم به مستقیم و در نهایت مخالفت با مجلس اعیان و غیره و غیره بود. این گونه اقدامات و مراحل، تأثیر بسیاری در ذهن مردم گذاشت و افراد بسیاری را به خود جلب کرد (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۱۵).

با پیروزی مشروطه خواهان در تهران، گروهی تندرو شکل گرفتند که هر روز بر تعدادشان افزوده می شد؛ این گروه تندرو که توسط افرادی چون تقی زاده، حسینقلی خان نواب، سید محمد رضا مساوات و میرزا محمدخان تربیت و حیدر عمو اوغلی خان و چند تن دیگر آنان را رهبری می کردند، فکرشان

در زمره مردمان آن روز نمی‌گنجید و متناسب آن روزها نبود. آنان سیاستمداران و افراد کهنه کار را واجب‌القتل می‌دانستند و بر همین اساس سپه‌دار را تربیت یافته‌ی مکتب ناصرالدین شاه و به امثال سردار اسعد بختیاری، باقرخان و ستارخان نیز اعتقادی نداشتند و به دنبال تشکیلات نوین جدید و دولتی جوان بودند. این گروه که خود را انقلابی می‌دانستند در پی احقاق حق تلاش بسیاری کردند و حتی با تشکیل احزاب به شهرستان‌ها رفته و طرفدارانی پیدا کردند. با تقویت ستارخان و باقرخان و حضور آنان در پارک اتابک هر روز گروهی به آنان پیوستند. از جمله چند تن از سران مشروطه خواهان از قبیل سردار محیی و ضرغام السلطنه و عمید السلطان و جمعی از مجاهدین که از دولت وقت ناراضی بودند، به این دو سردار بزرگ پیوستند و دسته نیرومندی را شکل دادند (ملک زاده، ۱۳۷۳: ج ۶/ ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷).

البته این آغاز نوعی تفرقه در مشروطه خواهی ایرانیان بود که زمینه‌های دخالت را در ایران در سال‌های بعد شکل داد. زیرا با فتنه به راه افتاده و جنگی که در پارک اتابک به راه افتاد، ستارخان و باقرخان از جمع مشروطه خواهان خارج شدند و ستارخان نیز با زخمی که برداشته بود تا زمان مرگ در تهران در تنگ دستی باقی ماند. باقرخان نیز در این برهه به غرب رفته و در نهایت در جنگ‌های روس‌ها در صفحات غرب روی داد شرکت کرد و در نهایت به دست چند تن پست فطرت به قتل رسید (همان: ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳).

از حوادثی که برای ایران پیش آمد، مصادف شدن تشکیل مشروطه و قرارداد ۱۹۰۷ بود. این مورد برای کشور ایران که به صورت نیمه مستعمره بود، نشان از حساسیت زمان دارد زیرا کشورهای روس و انگلیس در صدد بودند با فشارهای سیاسی و حالت‌های گوناگون که در قرارداد ۱۹۰۷ بود، ایران را به سه قسمت تقسیم می‌کردند.

از جمله اقدامات مشروطه‌خواهان که با منافع بیگانگان مغایرت داشت می‌توان به تشکیل بانک ملی، مالیات بر قند، شکر و چای، تأسیس راه آهن، استقراض از یک کشور ثالث (که انگلیس و روس پس اطلاع از این اقدام با ایجاد موانع در سر راه از سندیکای بین‌المللی برای ایران جلوگیری کردند)، استخدام متخصصین مالی، بدون دخالت این دو کشور. در نتیجه دولت‌های این دو کشور برای حل این مشکلاتشان دست به کار شدند و حتی با تعطیلی مجلس دوم و بعدها با آغاز دولت‌های جدید نیز این کشورها اقدامات نامناسبی را انجام دادند (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۱۲).

لرد کرزن در ۲۲ مارس ۱۹۱۱ در مجلس اعیان انگلیس بیان می‌کند که: «تنها قصد انگلیس از حضور در ایران، حفظ تمامیت ارضی ایران است.» که این نظر بسیار ساده لوحانه می‌باشد، زیرا این کشور به محض هرگونه احساس خطر کشور روسیه در شمال، به سرعت نیروهای خود را از هندوستان به جنوب ایران رسانیده و آماده حرکت به سمت تهران بود (براندس، ۱۳۳۴: ۱۰). اما در این نظر همواره تردید است، زیرا آن‌چه که ما می‌بینیم در دوران فترت نیز تصاحب قدرت در جنوب ایران با توجه به عهدنامه ۱۹۰۷ هم چنان در دست انگلیس است.

### ۳. اصلاحات شوستر

در این دوره، دولت‌هایی نظیر آمریکا در ایران سیاست خاصی نداشتند و دولتی نظیر سوئد بی-طرفی را پیشه گرفت. پس در نتیجه، تصمیم به استخدام چند مستشار آمریکایی گرفته شد که مستر شوستر به ایران آمد و در منصب خزانه‌داری کل قرار گرفت. اقدامات اولیه او در کاهش قدرت اقتصادی افراد خاص ایران، دریافت مالیات از کل ولایات و ثبت آن در دفتر مخصوص و سر و سامان دادن به امور مالی و اداری نارضایتی گروهی را برانگیخت (ملک زاده، ۱۳۷۳: ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶). در ادامه در سفری که نایب سلطنه ناصر ملک به آکسفورد و لندن و دیدار با سر آرتر نیکلسون داشت که وقت را غنیمت شمرد تا درباره‌ی روابط آن‌ها و روش ضد روسی در ایران صحبت کند. ادوارد گری توصیه کرد که نایب السلطنه هرگز با مسأله روسیه در شمال مخالفت ننماید. ناصرالملک پس از مذاکره با نمایندگان روسیه و انگلیس وارد ایران شد (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۱۶).

صمصام السلطنه رئیس الوزراء و هم‌چنین برادرش سردار اسعد خواهان رابطه با روسیه بودند. التیماتوم هم جز این چیزی از مجلس دوم نمی‌خواست: «موافقت دولت با مواد التیماتوم». رئیس الوزرا و برادرش اقدامات لازم را با دولت روس و انگلیس قبلاً انجام داده بودند (همان: ۱۷).

نکته مهم‌تر در نظر ناصر ملک، حسن نیت به کشورهای بیگانه بود؛ اما در اقدام خود چندین مقصود را پیگیری می‌کرد: اولاً به هم زدن مشروطیت و اعلام سلطنت مطلقه به نام خود و یا به نام سلطان حاضر، به علاوه استمرار نیابت و استقرار آن برای خود با این عنوان که وقایع این چند سال نشان از آن دارد که ملت ایران هنوز به حد رشد نرسیده و فرمانروایی کنند. بلکه محتاج به ولی هستند با این صورت هم مقام خود را بالا می‌برد و یا در آن مقامی که هست مستمر ادامه می‌یابد و علاوه بر این، با قبضه کردن کلیه‌ی اختیارات، کشور را نیز تسلیم روس و انگلیس می‌کرد. دوماً این که مشروطیت به حال خود باقی بماند که خود باعث ارتقای مقام‌اش می‌شود، زیرا در بین مردم نیز هویت خاصی پیدا می‌کرد و در مورد تصویب شدن و باطل کردن هر ماده در مجلس نیز صاحب نظر می‌شد. سوماً همان صورت دوم با تفاوت این که اختیارات در معاملات راجع به خارجه و اختیار عزل و نصب وزرا (همان: ۳۸ و ۳۹).

اقدامات اولیه شوستر (کاهش قدرت مالی و سیاسی اشراف) باعث ناراحتی سپهدار که رئیس الوزرا بود، شد؛ زیرا وقتی از شوستر تقاضای پول کرد، جواب رد دریافت کرد و در پاسخ خود برای دریافت پول از شوستر، یک ضرب‌المثل آمریکایی جالب زد: «... آیا طریقه و تدبیر مفیدی به نظر شما می‌رسد، که بشود خون از سنگ بیرون آورد» (شوستر، ۱۹۱۵: ۱۱۸).

در این موضوع، روس و انگلیس به این طبقه‌ی پوسیده احتیاج داشتند تا از توسعه‌ی نیروی مولد و پیشرفت اقتصادی جلوگیری کنند. اشراف مرتجع توانستند با حمایت و کمک‌های مالی و نظامی روسیه تزاری و انگلیس‌ها و بعدها تنها انگلیس، حکومت را در دست بگیرند و جنبش آزادی‌خواه را از

تغییر شرایط اجتماعی باز دارند و راه نفوذ کامل استعمار را هموار سازند. جنبش مشروطه ایران ارتجاع را یک گام عقب راند. اما راه را برای مخالفان مشروطیت باز نهاد تا زمام امور را در دست بگیرند و ترجیحاً از شرکت مردم در امور کشوری و حقوق سیاسی ممانعت کنند.

ایران که از نیمه دوم قرن نوزدهم مورد حمله استعمار قرار گرفت بود در آغاز قرن بیستم به کشور نیمه استعمار تبدیل شد، نیمه مستعمره بقایای فدرالیسم امکان حیات یافت و در این دوره بین انگلیس و روس، هیئت حاکمه و فتودال روابط عادی برقرار گشت. روابط با حاکمان ایران و روس انگلیس پیوند خورده بود و برای بقای همدیگر تلاش بسیاری می کردند در این دوره نهضت مشروطه که در وضعیت نابسامان کشور شکل گرفته بود، باعث شده بود هراس و ترس ستمگران و قدرت‌های بیگانه افزایش یابد؛ زیرا زمینه‌های شکل‌گیری مجلس اول صورت گرفت و با حمایت نواقصی که داشت مترقی‌ترین مجلس بود، چیزی که در ترکیب و فعالیت مجلس اول واقع شد عبارت از این بود که این مجلس در مرحله اول جنبش مشروطه یعنی هنگامی که مالکان لیبرال روحانی و بورژوازی تجاری به اتفاق‌های دموکرات مردم علیه دربار و بیگانگان وارد میدان شدند، تشکیل گردید (دهخوارقانی، ۲۵۳۶: ۱۲ و ۱۳).

#### ۴. اولتیماتوم روس

محمدعلی شاه را روس‌ها بعد خلع شدن از سلطنت و قریب دو سال اقامت در ساحل دریای سیاه با تغییر چهره و نام خلیل بغدادی و با کشتی کریستو فورس در ماه رجب ۱۳۲۹ هجری قمری در سواحل ترکمنستان پیاده کردند. و سه توپ اتریشی را به عنوان محصولات بازرگانی و آب معدنی از گمرک گذراند. ورود محمدعلی شاه با نام خلیل بازرگان بدین سبب بود که نمایندگان روس و انگلیس هرگز قبول نمی کردند که شاه مخلوع ایران به کشور باز گردد بدین سبب شایعه کردند او از اودسا فرار کرده است. شعاع السلطنه و امیر بهادر نیز همراه با محمدعلی شاه وارد ایران شدند.

به همین جهت در تاریخ شعبان ۱۳۲۹ ه.ق. قانونی از مجلس گذشت که هرکس محمدعلی شاه را اعدام یا دستگیر کند، یکصد هزار تومان پاداش دریافت خواهد کرد؛ هر کس شعاع السلطنه یا سالارالدوله را اعدام یا دستگیر کند ۲۵ هزار تومان جایزه خواهد گرفت. چنانچه داوطلبان این امر بعد از انجام عمل کشته شوند، مبالغ مزبور به وراثشان پرداخت خواهد شد. شاه مخلوع با ۳ هزار سوار ترکمن و اسانلو و تفنگچی‌های مازندران تا چهار فرسخی فیروزکوه پیش آمد. سردار و سالار بهادر مأمور دفعش شدند. نیروی اسماعیل خان سوادکوهی و مراد خان و همراهان دیگر آن‌ها در عباس آباد سوادکوه موضع‌گیری کردند. آنان تصمیم به غافلگیری دشمن گرفتند و از بیراهه به پشت اردوی مجاهدین حمله کنند. مجاهدین به همراه خود یک توپ جنگی داشتند در درگیری‌ها توانستند پیروز شده و غنائمی به دست بیاورند. اما هنوز تکلیف جنگ مشخص نیست و با حمله

ترکمنان به منطقه دفاعی مجاهدین، توانستند بر مجاهدین پیروز شوند و بسیاری را زخمی کنند که در نتیجه این امر منجر به شکست مجاهدین شد (مستوفی، ۱۳۸۶: ۲۱۴ و ۲۱۵).

مجلس تصویب کرده بود که املاک سالارالدوله و شعاع السلطنه پس از مرگ آنان که بخشی از خاک کشور را به آتش کشیده بودند مصادره شود ولی روس از این دوتن که تحت الحمایه بودند بسیار ناراحت بود. در نتیجه اولتیماتوم روس به دولت ایران مبنی بر اقدامات شوستر نیز اعلام شد و به این شوستر اعتراض کرد (فخرایی، ۱۳۷۱: ۲۲۰)؛ ولی با وجود این، شوستر در ذی القعدة ۱۳۲۹ ه.ق. (هفتم اکتبر ۱۹۱۱ م.) هیئتی مرکب از شش دسته هفت نفره برای ضبط شش پارچه از املاک شعاع السلطنه و سالارالدوله مأمور می‌کند.

اموال شعاع السلطنه در تهران عبارت بودند از: خانه و باغ بزرگ او در قسمت غربی تهران و روستای منصور آباد و دولت آباد در سر راه تهران به حرم حضرت عبدالعظیم، هم‌چنین باغ عمارت در قریه چیذر در شمیران. املاک سالارالدوله هم عبارت بودند از: دو قطعه ملک یکی در شهریار و دیگری در مرد آباد (شوستر، ۱۹۱۵: ۱۸۸). روسیه اعتقاد داشت که دولت ایران باید علاوه بر تخلیه باغ شعاع السلطنه از دولت روس هم عذرخواهی کند که این عمل را دولت ایران نپذیرفت، در نتیجه دولت روسیه برای برخورد با ایران التیماتوم را تنظیم و برای سفارت ایران فرستاد. براساس این اولتیماتوم که چهار بند اصلی داشت و ظرف شش روز باید انجام می‌شد، در غیر این صورت قشون روس تهران را اشغال می‌کند. موارد اعلام شده عبارت‌اند از:

۱. مستر شوستر آمریکایی باید از ایران اخراج گردد.
۲. وزیر خارجه ایران به سفارت روسیه برود و از دولت روس عذرخواهی کند.
۳. دولت ایران هزینه لشکرکشی قشون روس به ایران را بپردازد.
۴. بدون رضایت روسیه، مستشاری در ایران استخدام نگردد.

این اولتیماتوم در هفتم ذیحجه ۱۳۲۹ ه.ق به ایران اعلام شد و قشون روسیه در قزوین تمرکز گرفت.

وثوق الدوله، وزیر خارجه و محتشم السلطنه، وزیر عدلیه با این امر موافق بودند ولی مجلس شورای ملی آن را نپذیرفت و به گفته شوستر، وثوق الدوله و برادش قوام السلطنه، وزیر داخله در کابینه صمصام السلطنه بختیاری با این امر به این دلیل موافق بودند که پدرشان دارایی آذربایجان را در دوره شوستر به صورت نامشروع مطالبه کرده بود (فخرایی، ۱۳۷۱: ۲۲۰).

هرچند دولت ایران در مورد اقدامات انجام شده هیچ کاری را از پیش نبرد و هم‌چنین سلطنت نیز از این اقدام دولت حمایت می‌کرد، گفتگوهای بسیاری در مجلس صورت می‌گرفت و امثال خیابانی و دیگر نماینده‌ها نیز این امر هشدار روسیه را بی‌حاصل می‌دانستند، اما در نهایت آنچه که

برای بیگانگان مهم بود تصمیم نهایی نیز که تصویب اولتیماتوم بود زیرا منافع آن‌ها در حال فروپاشی در ایران بود. در دوره وثوق الدوله نیز اقداماتی صورت گرفت و آن‌چه که مشخص بود مجلس برای فیصله دادن به مسائل سه نظر انتخاب می‌کرد:

۱. اختیار حل این مسئله را به دولت بدهد که هر جوری می‌خواهند حل کنند.

۲. این که کمیسیون انتخاب کنند و آن را به کمیسیون بدهند.

۳. این که این کابینه برود کنار کابینه جدیدی شکل بگیرد.

وزرا پیشنهاد خود را اعلام داشتند و بر این باور بودند که مجلس راه‌حل سوم را نمی‌پذیرد اما در کمال تعجب راه‌حل سوم تأیید شد و نتیجه این که دولت کنار رفت و اختیار دادن به وزرا و کمیسیون نیز رد شد (شوستر، ۱۹۱۵: ۹۷).

آن‌چه که مسلم است، پی‌ریزی تقسیم ایران و بعدها به خطر افتادن آن که از اولتیماتوم سر برآورد را می‌توان در معاهده ۱۹۰۷ م. بین روس و انگلیس خبر داد. با وجود اشخاص مهمی این کار میسر نبود اما با فوت مشیرالدوله این امر انجام و ایران به سه قسمت تقسیم شد (مستوفی، ۱۳۸۶: ج ۲/ ۲۵۰).

در این بین دولت ایران نتوانست اقدامی را انجام دهد، شرایط کشور بسیار سخت بود که ایران درگیر آن شده بود. در نتیجه دولت برای این امر اقدام به تشکیل کمیته کرد، زیرا مجلس هرگز با اولتیماتوم کنار نیامد. پس دولت به فکر این افتاد که بتواند اول اختیار را از مجلس بکاهد یا این که تعدادی از وکلا استعفا دهند تا در نتیجه مجلس منحل گردد و در این بین قدرت به دست دولت می‌افتد و او هرگونه که بخواهد می‌تواند نظر روسیه را جلب نماید. اما پس از رأی‌گیری و صحبت، مجلس اختیار تام به دولت نداد، در نتیجه مجلس به قوت خود باقی ماند. چون دوره دو ساله مجلس به پایان رسیده و این اتفاق دوره دوم و پایان آن رخ داده است، این امر در این مجلس غیرقانونی تلقی می‌گردد و با این هم نتوانستند انحلال مجلس را به تصویب سلطنت برساند و امضا را از نایب السلطنه بگیرند.

دلیل تأکید پذیرش اولتیماتوم توسط مجلس این بود که با پذیرش آن توسط مجلس، وجهه قانونی می‌گرفت. پیرم خان چند مجاهد ارمنی را فرستاد و نمایندگان را از مجلس بیرون و درب مجلس را بستند و با این رخداد، خشونت در کشور آغاز شد. اقدامات لازم جهت رضایت روسیه انجام گرفت؛ پارک شعاع السلطنه تخلیه شد، مورگان شوستر از ایران اخراج شد، وزیر خارجه اسبق دولت در سفارت حضور یافته و رسماً از روسیه عذرخواهی کرد. اما این پایان کار نبود، روسیه به مشهد حمله‌ور شد و مرقد امام هشتم شیعیان را به توپ بست و از هیچ اهانتی به ایران و به مذهبی‌ها دریغ نمی‌کردند و حتی تعدادی از آزادیخواهان تبریز را به دار کشیدند (فخرایی، ۱۳۷۱: ۲۲۰).



در سال ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ میلادی دو حادثه مهم اثر بزرگ در سرنوشت عادی ایران داشت. در سال ۱۹۰۶ ایران برای نخستین بار دارای سیستم پارلمانی شد و در سال ۱۹۰۷ بریتانیا و روسیه ایران را به مناطق تحت نفوذ خود تقسیم کردند. اگرچه حادثه اول داخلی بود و دومی خارجی، اما آثارشان وابسته به یکدیگر بود (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۲۹). بر این اساس می توان این گونه گفت که مشکلات متعددی پیش می آمد، زیرا از یک سو دولت های بیگانه همواره به عنوان یک کشور مداخله در امور ایران انجام کار می کردند و از سوی دیگر سیستم پارلمانی ایران هرگز این امر را نمی پذیرفت.

نگرانی بزرگ روس ها از حضور آلمان ها در ایران بود. آنان می دانستند که در صورتی که قوای روس و انگلیس از ایران نیز خارج شده یا از قدرت آنان کاسته شود، آن چه که پیش می آید، تنها قدرتی از آلمان ها است که علاوه بر ساخت راه آهن، کالای آلمانی در ایران نیز سرازیر می گردد و ایران گرایش به سمت آلمان ها پیدا می کند. موضوع دیگری که انگلیس ها را متوجه خود می کرد، اینکه روس ها تعهد دهند محمدعلی شاه مخلوع از ایران دور بماند و از صحنه سیاست ایران کنار بکشد. این موضوع سبب آرامشی نسبی در ایران می شد که برای انگلیس مفید تلقی می شد (کاظم زاده، ۱۳۷۱: ۵۶۹).

بیشترین نفوذ در شمال را روسیه و در جنوب را کشور انگلیس داشت نه این دو کشور برای ایران نقشه هایی در سر داشتند که در موقع خود برای نفوذ کشور مخالف و تضعیف قدرت ایران سکوت نیز اختیار می کردند. در نوامبر ۱۹۱۱ روزی که مجلس قانون گذاری اختیار برای استخدام دستیار آمریکایی دیگر را به تصویب رساند، سفیر روسیه در تهران، طی حکمی به ایران داد که اگر تا ۴۸ ساعت با درخواست های روسیه موافقت نکند، دولت امپراتوری روسیه تمام مناسبات خود با کابینه ایران را قطع نموده و در اقدام ضروری برای حمایت از منافع روس ها را اتخاذ کند. در این بین دو موضوع مهم شکل می گرفت: اول تمدید مجلس و دوم موافقت یا رد درخواست روسیه که در ۱۴ نوامبر ۱۹۱۱ پایان می رسید. اما قبل از آن تلگراف های بسیاری از مناطق مانند مشهد به رشت و شهرهای دیگر به مجلس ارسال گردید که مردم از نمایندگان خواستند تا دوره مجلس را تمدید کنند.

در ۱۲ و ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱ موضوع تردید در مجلس مطرح شد و با برتری رئیس نمایندگان تصمیم به تمدید گرفتند. در حالی که بیش از نصف اعضای جدید مجلس در تهران بودند، در مورد نوع دوم و درخواست روسیه، کابینه می توانست آن را بپذیرد یا رد کند. اما قبول درخواست های روسی غیر ممکن به نظر می رسید، زیرا دولت می دانست که مجلس از شوستر حمایت می کند و عدم پذیرش این امر خود باعث مشکلی می شد. زیرا سربازان روسی در شمال بودند و سربازان بریتانیا در حال پیاده نمودن سربازان جدید در بوشهر بودند. نتیجه آن شد که وزرا از جمله نخست وزیر و وزیر امور خارجه استعفا دادند و به یادداشت روس پاسخ داده نشد. تصمیم اعزام نیرو به ایران از

سوی روسیه، بریتانیا را نگران کرد. سر ادوارد گری نمی‌خواست روسیه از اقدام اجباری استفاده کند. گری می‌ترسید اگر سربازان روسیه تهران را اشغال کنند، بر مسلمانان و جهان اسلام تأثیر منفی خواهد گذاشت (دهخوارقانی، ۲۵۳۶: ۱۳۶-۱۳۴).

از اقدامات صورت گرفته می‌توان نتیجه گرفت به دولتی مانند انگلیس که در زمان لازم با پس می‌کشد، نمی‌توان به عنوان یک تکیه گاه استفاده کرد (ناظم، ۱۳۷۱: ۵۶۲).

پیرم خان که نقش اصلی را در بستن مجلس داشت دلایلی مختلفی را بیان می‌کنند، مانند دوستی و صمیمیت با سردار اسعد که خواهان پذیرش اولتیماتوم بود و یا این که در زمره افرادی بود که راه مشروطه را خطا رفت. در هر حال او به دنبال آزادی و بیان عقیده‌ای بود که تا یک سال قبل از مرگش در صحنه‌های مهم حوادث قرار گرفت. او فردی به دنبال عدالت بود که در این راه تا پایان عمر جنگید (کسروی، ۱۳۵۶: ۲۱۸).

## ۵. نقض تمامیت ارضی ایران توسط روسیه

اوج نقض تمامیت ارضی ایران توسط روسیه در زمان فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ هـ ق) که موجب جداسدن بخش قابل ملاحظه‌ای از خاک ایران شد. پس از آن در عرصه کسب امتیازات اقتصادی و تجاری نیز روسیه در رقابت با رقیب عمده و قدرتمند خود بریتانیا، به موفقیت‌های بزرگی نائل آمد. این موفقیت‌ها تا حد زیادی نیز معلول بی‌تدبیری هیأت حاکمه ایران بود که هم‌چنان سیاست موازنه مثبت را دنبال می‌کرد. پس از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ روس‌ها مترصد فرصت برای مداخله‌ی نظامی در ایران بودند. اسناد موجود در رابطه با قضیه به توپ بسته شدن مجلس توسط محمدعلی شاه، که توسط شخصی به نام پانوف به‌عنوان مخبر روزنامه معروف و آزادی‌خواه روسی به نام «ریچ» جمع‌آوری شده (ضمیمه کتاب انقلاب مشروطیت ایران نوشته ادوارد براون) نشان می‌دهد کلنل لیاخوف مستقیماً از روسیه دستور می‌گرفته است. اما در سال ۱۳۲۷ ق و در گیرودار فتح تهران، روسیه به بهانه درخطر بودن جان و مال اتباع بیگانه، و حفظ قونسولگری روسیه در ایران، با قوای نظامی به خاک ایران وارد شد. نیکیتین که خود یک دیپلمات روسی است و مدتی را در ایران سپری کرده است، در این باره از لفظ «اشغال» استفاده کرده است (نیکیتین، ۱۳۳۹: ۳۸ و ۳۹).

رفتار روس‌ها پس از معاهده ۱۹۰۷ تفاوت کرد؛ بدین گونه که برای انگلیس هرگز خود را در مقام رقیب نشان نمی‌دادند، اما بدشان نمی‌آمد که از استبداد رخداده نیز بهره بگیرند و از ایران طرفدارانی را برای خود جمع کنند (مستوفی، ۱۳۸۶: ۲۵۸). روسیه هم‌سو با انگلیس، به دنبال اهداف خود بود و در نتیجه با قدمی محکم، خواسته‌های خود را به ایران اعلام کرد و انگلیس را در کنار خود به‌عنوان حامی قرار داد. پس از اعلام اولتیماتوم به ایران، روسیه هرگز تصور این را نمی‌کرد که ایران این

گونه سرسختانه در برابر این موضوع بایستد. پس از انتشار اخبار خونریزی در انزلی و رشت، روسیه چاره نداشت تا مهلت ۴۸ ساعته خود را تمدید کند و به همین دلیل شش روز دیگر به ایران مهلت داد. مجلس نیز به دنبال این امر به فکر تشکیل کمیته افتاد (کسروی، ۱۳۵۶: ۴۸۰ و ۴۸۱)؛ اما به دلیل اختلاف نظر اعضا، این کمیته تشکیل نشد و در نهایت آخرین جلسه در خانه نایب السلطنه تشکیل شد و نیم ساعت قبل از اتمام مهلت اولتیماتوم با آن موافقت شد و به سفارت روسیه شبانه اعلام گشت و به دنبال آن مجلس منحل شد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۵۴).

## ۶. نقش انگلیس در انحلال مجلس دوم

انگلیس همواره با سیاستی خاص در ایران عمل می‌کرد، این موضوع در تلگراف‌های آنان دیده می‌شود. در تاریخ ۲۸ شوال ۱۳۲۸ ه.ق با پیاده کردن نیروی خود در بندر لنگه به بهانه حفظ امنیت سعی در ایجاد جایگاه برای خود داشتند که بارکلی این موضوع را برای ایران مطرح کرد (ترکمان، ۱۳۷۰: ۲۴۲). انگلیس نیز سیاست خاص خود را به کار می‌برد، آنان در حفظ منافع روسیه در شمال کوشیدند اما به عقیده مخبر السلطنه هدایت نقش اصلی را در وحشی‌گری‌های بعد از اولتیماتوم داشتند؛ زیرا بویی از انسانیت نبرده بودند (هدایت، ۱۳۶۳: ۲۸۹). در تاریخ ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۸ ه.ق. نیز طی تلگرافی مستر بارکلی به دلیل عواید گمرکات و کاهش آن به ایران تذکر داد و درخواست بهبود شرایط را داشت (ترکمان، ۱۳۷۰: ۲۵۱).

## ۷. نقض تمامیت ارضی ایران توسط انگلیس

انگلیس با توجه به دیدگاه خود، بازیگری سازونوف را می‌شناخت و از رضایت ظاهری وی که منجر به ساخت راه آهن خانقین به تهران می‌شد، واکنش خاصی نداشت. آنچه که مسلم است انگلیس‌ها به دنبال راهی بودند تا در تعادل قدرت در ایران به سیاست‌های خود در ایران و هند بپردازند. آنان نسبت به آلمان نیز رفتاری آرام داشتند زیرا به این اعتقاد داشتند که روس‌ها توان کنترل آلمان‌ها در ایران را در این زمان دارند (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۵۷۲).

دولت انگلستان با استفاده از حضور سازانوف در پاریس، توسط سفیر خود، سر فرنیسیس برتی، یادداشتی به او تسلیم کرد که در آن نظریات سر ادوارد گری بیان شده بود. گری تصدیق کرده بود که نتیجه وضع کنونی باید روی کارآمدن دولتی در ایران باشد که بتواند مطابق قرارداد ۱۹۰۷ م روس و انگلیس عمل کند و توجه لازم به منافع مخصوص بریتانیای کبیر و روسیه داشته باشد (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۶ / ۱۴۷۳).

دولت انگلستان از همان آغاز به حمایت از مشروطه خواهان پرداخت و در حقیقت، در صدد اجرای طرح دوم یعنی تهی ساختن نظام مشروطه از اهداف و آرمان‌های اولیه و تبدیل آن به دولتی به ظاهر مقتدر اما مطیع بود. ولی دولت روسیه، برعکس انگلستان، از در مخالفت با دولت مشروطه و مجلس برآمد و در واقع می خواست نظام مشروطه را براندازد؛ به دو دلیل: نخست این که در صورت استمرار حکومت مشروطه در ایران، این احتمال وجود داشت که عناصر تندرو در مصدر امور قرار گیرند و منافع روسیه را به خطر اندازند، دوم آن که دولت روسیه، شکل گیری نظام مشروطه در ایران و رواج کلماتی نظیر آزادی، مشروطیت و حکومت ملی را موجب بیداری مردم قفقاز و تحریک آنان به مشروطه خواهی و آزادی طلبی می دانست و به همین جهت به مخالفت با دولت مشروطه برخاست. در واقع، مخالفت روسیه با اصلاحات مورگان شوستر و اعلام دو اولتیماتوم پی در پی به دولت ایران، در راستای تحقق چنین سیاستی بود (دهخوارقانی، ۲۵۳۶: ۹۰).

مقدمه نفوذ سیاسی و استعماری انگلیسی‌ها در ایران را باید در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق.ه) و دریافت اجازه تأسیس تجارتخانه و فعالیت‌های اقتصادی آنان در ارتباط با کمپانی هندشرقی انگلیس و در رقابت شدید با هلندی‌ها دانست. ایران به عنوان دروازه‌ی ورود به هندوستان، برای انگلیسی‌ها اهمیت فوق العاده‌ای داشت. از این رو آنان با استفاده از ضعف نفوذ نظامی و سیاسی حکام قاجار در جزایر و بنادر خلیج فارس و استقلال طلبی بعضی از شیوخ عرب ساکن آن نواحی، دست به اقداماتی زدند.

انگلستان در گیرودار مشکلات داخلی و خارجی ایران پس از انقلاب مشروطه، آرام و بی آن که حساسیت ملیون را موجب شود در اندیشه‌ی اقدام به اشغال بنداری از بنادر جنوب ایران بود. سر ادوارد گری شخصاً معتقد بود که گذشته از مسأله حفظ و حراست منافع انگلیس، باید به حال آماده باش بود تا هرگاه سپاهیان روسی از مرز شمالی آن کشور بگذرند، ناوگان انگلیس بلافاصله به سواحل جنوبی ایران گسیل گردیده و پرچم انگلستان را در بندر یا بنادر آن نواحی به اهتزاز در آورند (شماره ۱۵۸، وزارت خارجه، ۶ مارس ۱۹۰۷. از وزارت خارجه به درياداری، محرمانه، معاصر، ۱۳۵۲، ۱/ ۱۸۸).

پس از ورود قشون روسیه به شمال ایران در دوره فتح تهران در سال ۱۳۲۷ ق.ه به بهانه‌ی آشفته‌گی‌ها و نا آرامی‌های منطقه‌ای و ضرورت حفاظت از اتباع بیگانه، انگلیس نیز یادداشتی مداخله جویانه خطاب به ایران ارسال نمود مبنی بر این که اگر تا ۳ ماه دیگر اغتشاشات موجود برطرف نشود، دولت بریتانیا جهت حفاظت از مال و جان اتباع خود مداخله کرده و اقدام به اعزام قشون نظامی به ایران خواهد نمود. در متن اولتیماتوم آمده بود که:

«آن چه دولت اعلیحضرت در اولین وهله در نظر دارد، این است که قوه امنیه مرکب از ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ نفر در تحت فرمان یک عده از صاحب منصبان انگلیس از قشون هند برای حفظ

راه‌های شیراز، اصفهان و بوشهر و آن صفحات در محل تشکیل و تنظیم شود» (به نقل از نوایی، ۱۳۵۶: ۱۷۹ و ۱۸۰).

انگلیس از حمله روس به ایران نگران است و ابراز می‌نماید که این‌گونه اقدامات در جهان اسلام تأثیر منفی دراد و سبب زحمت انگلیس می‌گردد. این در حالی بود که دولت ایران قبل‌تر به سفیر روس اعلام کرده بود که مستشاران آمریکایی آگاه به حفظ منافع دول دیگر در ایران می‌باشند (هدایت، ۱۳۶۳: ۲۸۳).

## ۸. اقدامات رجال ایرانی

با اعلام اولتیماتوم روسیه به ایران، همه مردم علی‌الخصوص روحانیون و انکس‌های خاصی به این موضوع انجام دادند. در این خصوص، گروهی که در این بین خود را سیاسی قلمداد می‌کردند و نقش برجسته‌ای در مجلس و یا سطح کشور داشت، شاید مهم‌ترین فرد در این گروه را می‌توان آخوند خراسانی نام برد که در مجلس اول و دوم نقش بسزایی از خود در این شرایط به عنوان یک تکیه‌گاه محکم برای مردم و اقشار دیگر جامعه ایفا کرد. البته باید این را در نظر گرفت نظر مردم و همچنین این موضوع متفاوت بود؛ زیرا آگاهی خاصی به موضوع نداشتند. نکته دیگر این امر، حضور افراد مختلف در عتبات و دیگر کشورها بود که می‌توانستند با مردم ایران در ارتباط باشند که در تلگراف‌های پنهانی این افراد مشهود بود. اما در واقع، این امر مورد تأیید مردم و اقشار طبقه بالا قرار نمی‌گرفت؛ زیرا ایران را به تابعیت خارجی نسبت به روسیه وادار می‌کرد.

«جمعیت مسلمین را عرق غیرت به حرکت به سوی خانه آقای خراسانی شد و آه و فغان از دخول رتبه ایران داشته و گریه‌ها کردم. ابو سادات یکی از احرار و لباس ژاندارم ایرانی پوشیده و خود را از مأموری از روی غیرت اسلامی داخل در حق مردم بود بعد از گریه‌های بسیار مردم گریه کنان خداوند با آقای خراسانی گفت آقایان همت کنی در مقام بزرگ مسلمانان از چنگ مضایقه نکنید چهار راه علاج امروز در دستان شماست اتحاد کنید اتفاق تعجب همه ناشی از اختلاف شما بزرگان دین است و به همین واسطه در بین ملت ایران که یک مرتبه یک عنصر متحد بودن اختلاف انداختند و به همین اختلاف آثار اسلام را از روی زمین محو و نابود خواهند کرد» (نظام الدین زاده، ۱۳۷۷: ۳۷ و ۳۸).

اهالی گیلان بازارها را بسته و از مشاغلشان دست کشیده و در مسجدجامع گرد آمدند و به سخنرانی پرداخت. قند و شکر و سایر اجناس روسیه را تحریم کردند. شاگردان مدارس کفن پوشیده، برای ابراز تنفر از اولتیماتوم روس‌ها در بازار و خیابان‌ها به تظاهرات و راهپیمایی برخاستند.

درباره‌ی علل اخراج شوستر از ایران، مورخان معاصر ایرانی و خارجی نظرات متفاوتی بیان کرده‌اند:

۱. حسین مکی دلیل اخراج شوستر را هم بستگی سیاست روس و انگلیس توصیف کرده است (مکی، ۱۳۷۴: ج ۱ / ۷۶ و ۷۷).
  ۲. یحیی دولت‌آبادی دلایل اخراج مورگان شوستر را چنین بر می‌شمارد: الف) غرور و عاقبت نیاندیشی شوستر؛ ب) اغراض داخلی؛ ج) اغراض خارجی (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ج ۳ / ۱۹۳).
  ۳. عبدالله مستوفی دلیل اخراج شوستر را فشار روس‌ها دانسته است (مستوفی، ۱۳۸۶: ج ۲ / ۵۰۳-۵۰۵).
  ۴. اسماعیل رایین، دلیل خروج شوستر را نتیجه‌ی سیاست مشترک روس و انگلیس در این زمینه می‌داند (رایین، ۱۳۴۵: ۳۶).
  ۵. سرپرسی سایکس، دلیل اخراج شوستر را عدم کفایت او و مخالفت شدید روسیه دانسته است (سایکس، ۱۳۸۰: ج ۲ / ۶۵۴).
- پس از تأیید مفاد اولتیماتوم وزرا به دو گروه موافق و مخالف تقسیم شدند که تحولات بعد از چند مورد نشأت گرفت؛ **اول**، وثوق الدوله اعلام کرد که همه وزرا کناره‌گیری می‌کنند و مجلس به فکر جانشینی آنان باشد. این شایعه سبب کنار رفتن وزرا شد، اما مجلس با اطمینان خاطر وزرا را بازگرداندند و دولت نجات یافت اما مجلس هم‌چنان با رأی وزرا درباره اولتیماتوم مخالفت داشتند که بعداً سبب جدایی راه آنان شد. **دوم**، نراتف در گفت و گو با سفیر انگلیس علت تشدید فشار را برگردن ایرانیان انداخت، او از قوانین ایران و قدرت نائب السلطنه برای انحلال مجلس اطلاعی نداشت ولی در فکر خود به این موضوع تأکید می‌کرد. **سوم**، نامه‌ای رسمی به سفارت روسیه فرستاده شد و اعلام شد که درباره اولتیماتوم زمان و محدودیتی مشخص نشده، از حمله نظامی هم سخنی به میان نیامده و لیکن دولت با این امر موافقت دارد. **چهارم**، بختیاری‌ها از پشت پرده اولتیماتوم با خبر بودند و صمصام السلطنه و برادرش و چند تن از خوانین بختیاری این سیاست را دنبال کردند. به محض اعلام اولتیماتوم سردار اسعد به ایران آمد و پیگیر آن شد. گرچه روزنامه جبل‌المتین پرده از این توطئه برداشت اما راه به جایی نبرد (نظام‌الدین زاده، ۱۳۷۷: ۱۵۴ و ۱۵۵).
- دولت برای این که نشان دهد روسیه و انگلیس برای حفظ ایران به این عمل دست زدند هر کاری انجام داد، در نتیجه ایران به کشوری نیمه مستعمره تبدیل شد. به گفته عبدالله مستوفی ایران در این دوره دچار سردرگمی در مجلس و دولت بود و این امر به همه وزارت‌خانه‌ها رسیده بود. تا جایی که در ولایات مختلف خبر از تشدد اوضاع و نگرانی مردم به گوش می‌رسید و این امر خود شوستر را ناچار کرد که ایران را ترک کند (ترکمان، ۱۳۷۰: ۳۵۹).

آنچه در آن روزها بیان شده است سکوتی بود که حوادث شهرهای مختلف بیان می‌شد و در نتیجه در این موضوع گرچه اوضاع شهرهای بزرگ وخیم بود، اما دولت و برخی نمایندگان از ارسال تلگراف‌های که دارای خبرهای خاص بود جلوگیری می‌شد (کسروی، ۱۳۵۶: ۲۲۰).

دولت انگلیس نگران انحلال مجلس نبود، آنان در جنوب با خوانین بختیاری قرارداد بسته و نگران نا آرامی نبودند. از سده نوزدهم که بیگانگان به ایران آمدند هرگز با این اقتدار نتوانستند مسائل سیاسی خود را تحمیل کنند. با این اقدامات دوره سه ساله فترت شکل گرفت و قدرت در دست ناصرالملک باقی ماند که به نام «دیکتاتوری ناصرالملک» نامیده شد (یزدانی، ۱۳۹۵: ۱۷۶ و ۱۷۷).

شوستر در کتاب خود به تمامی جوانب می‌پردازد و بیان می‌کند ایران در چاله‌هایی فرو رفته که بیرون آمدن از آن را باید در گرو اصلاحات گسترده بیان کرد. آنچه که سبب شد تا ایران در این زمان اهمیت یابد، اصلاحات بزرگ از رأس قدرت است. اما مخالفت با اقدامات بزرگ و ضعف درونی سبب شد تا ایران تسلیم قدرت‌های استعماری گرد (شوستر، ۱۹۱۵: ۳۵۰).

این اقدامات از اولین کارهای مهم جهت اتحاد مخالفت با علم روز و یا حتی پذیرش آن بود. این در حالی است که دولت ایران از این هم باخبر بودند و پذیرفتند. اما عامه مردم و بزرگان نیز نسبت به آن بسیار بدبین بودند:

«در خانه آقای خراسانی مجلسی مشتمل بر ارکان و بزرگان دین و حجت الاسلام از کربلایی و نجفی منعقد و صحبت‌های گذشته را به‌طور کامل مورد بررسی قرار دادند. در این مجلس هم‌چنان بیان شد که دفاع از دین و بلاد اسلام باید حاصل گردد و این امر به صورت در مجلس و بزرگان نیز اتفاق می‌باشد آنچه که در این لحظه مسلم است بزرگان علما و مقدسین مثل آقای خراسانی، آقای مازندرانی، آقای صدر اصفهانی، آقای شریعت اصفهانی، آقای سیدعلی داماد، آقای خوانساری، آقای قمشاهی، آقای نائینی و آقایان دیگر از کربلایی و نجفی به حضور به حصول اتفاق و رفع خلاف و نفاق این فجیعه و بلکه در تمام امور گذشته از زحمت حرکت آقای شیخ العراقین که برای تحصیل در این مطلب از کربلا و نجف آمده و صد باب انواع احتمالات با این همه و عدم حضور همراهی و هم‌دردی آقای یزدی و تغییر در خیالات ارائه داد و عدم موافقت توسل به اسباب دفاع و چاره اختلاس اسلام با آقایان بلکه ظهور مخالفت قطعیه در موارد عدیده از ظاهر گردیده به طور های دیگر رخ می‌داد» (نظام‌الدین زاده، ۱۳۷۷: ۴۴ و ۴۵).

مجلس دیگر در خانه آخوند خراسانی شکل گرفت که در این بین آرا بدین قرار شد که آقایان به کربلایی معلی سفر کرده و در آنجا به اتفاق در بیست و هفتم ذیحجه کاظمین مشرف شده و در این بین اقدامات زیر را انجام دهند:

«اولاً به تمام دول اروپایی تلگراف داده و این حرکت ظالمانه را توسط کنسول‌های رسمی که در بغداد هستند مورد انتقاد قرار دهند.

ثانیاً به تمام عشایر ایلات و راستای تلگرام وکیل نمایند که با دولت هم درد و اتفاق داشته و خودسرانه حرکتی ننمایند.

ثالثاً تمام مسلمین روی کره را بغیر از ایرانیان آنچه لازم است تعلیمات تلگرام فاتح ارسال رسول به جهت تبلیغات شفاهی بشوند.

رابعاً به دولت تلگراف نمایند که دولت روس امر اولتیماتوم را استیضاح کند که از روی قاعده این مطلب را به طور التیماتوم خواسته است» (همان: ۵۱).

پس از صحبت‌های صورت گرفته قرار شد تمام ایران به‌صورت یکپارچه در مقابل این امر بایستند اما با مرگ ناگهانی آخوند خراسانی در ۲۱ ذیحجه ۱۳۲۹ ه.ق این امر ناکام ماند. حرکت جمعی به‌صورت جدی در زمان‌های بعد انجام شد؛ اما آن چه که مسلم است، آقاخان کار خود را انجام داد و کم و کم زمینه‌های انفصال مجلس را صورت داد. رجال و بزرگان ایران نتوانستند خود را با این موضوع وفق دهند و مقابله با آن پردازند در نتیجه دولت‌های بیگانه به‌راحتی توانستند نظر خود را بر ایران تحمیل کند. اختلاف دولتمردان و مجلس سبب شد تا از اجرای تصمیمات درست غافل بمانند و در نتیجه مجموعه اقدامات صورت گرفته از سوی روحانیون و مردم بود. آن چنان که بیان می‌شود در هر دوره و هر زمان هر چه خواستند از ایران مطالبه کردند. اقدامات بزرگان دینی هم در این امر هم موفق بود اما نتوانست اقدامات روسیه را پیشگیری کند؛ شاید نتیجه‌ی آن، تشکیل مجلس در سال‌های بعد بود. تأثیر دیگر که اولتیماتوم بر ایران نهاد این که در سال‌های بعدی و در جنگ جهانی دوم نیز روسیه بدون هیچ هماهنگی با دولت ایران وارد کشور شد و آن از جمله تجربیات روس در طول سال‌ها بود که از ایران کسب کرده بود (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۳۵۸).

## ۹. نتیجه‌گیری

ایران همواره سرزمین حوادث مهم بود و به دلیل موقعیت مهم و استراتژیک مد نظر دولت‌های استعمارگر بودند. با تشکیل مجلس در ایران و تغییر در قانون اساسی، کشورهای دیگر که سابقه دیرینه از حضور در ایران را داشتند به تکاپو افتادند تا از توسعه ایران جلوگیری کنند. اوج این حوادث در مجلس دوم بود که تصمیم به اصلاحات گسترده در کشور گرفته شد و از مستر شوستر برای حضور در ایران دعوت به عمل آمد. مجموعه اقدامات شوستر در ایران سبب شد تا تغییراتی در ساختار کشور صورت بگیرد اما این سرآغاز مجادله بزرگ بود.

از یک سو اختلافات میان سرمایه‌داران و افراد سیاسی در ایران، مجلس و مستر شوستر، حضور بیگانگان در ایران و از سوی دیگر عدم هماهنگی رجال ایرانی سبب شد تا روسیه و انگلیس این جرأت را داشته باشند که بتوانند به ایران اولتیماتوم بدهند و از منافع خود در ایران دفاع کنند. روسیه و انگلیس نیز چند شرط را برای ایران تعیین کردند و مهلتی برای آن در نظر گرفتند. در این زمان



راه دولت و مجلس از هم جدا بود و نتوانستند در برابر این خطر راه حل مناسب را اتخاذ کنند. ضعف کشور به شدت محسوس بود و با کارشکنی گروهی از رجال ایرانی اولتیماتوم روسیه قوت بیش‌تری به خود گرفت و تا جایی پیش رفت که با تعیین مهلت ۴۸ ساعته به هدف خود دست یابند. تقریباً برخی از مذهبیون و روحانیون توانستند بر این موضوع تسلط یابند و مانع پذیرش آن شوند اما با فوت ناگهانی آخوند خراسانی تلاش آنان ناکام ماند و فرصت مجدد برای بیگانگان صورت گرفت. با پذیرش اولتیماتوم، مستر شوستر از ایران خارج شد و در نتیجه، اصلاحات او نیز تقریباً نیمه کاره ماند. تداوم این اقدام بیگانگان، خونریزی‌های بعدی در شهرهای ایران بود و حتی سال‌های بعد و با جنگ جهانی اول نیز روسیه و انگلیس باز هم به خاک ایران وارد شدند.



## منابع

- اتحادیه، منصوره (۱۳۸۱). *پیدایش و تحل احزاب سیاسی مشروطیت*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- اسناد وزارت خارجه انگلیس و نشریه وزارت خارجه.
- براندس، ژرژ (۱۳۳۴). *جنايات روس و انگلیس به ایران*. (کپنهاگن، دانمارک) تهران: مجلس شورای ملی.
- ترکمان، محمد (۱۳۷۰). *اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲). *حیات یحیی*. تهران: نشر عطار.
- دهخوارقانی، رضا (۲۵۳۶). *اسناد منتشر نشده مشروطه ایران وقایع ناصری و توزیع مرام دو رساله خطی*. مقدمه علی سیاهپوش، تهران: انتشارات دنیا.
- رایین، اسماعیل (۱۳۴۵). *مقدمه‌ای بر اختناق ایران*. تهران: نشر ماهی.
- سایکس، پرسی (۱۳۸۰). *تاریخ ایران*. ترجمه فخرداعی گیلانی، تهران: انتشارات نگاه.
- شوستر، مورگان (۱۹۱۵). *اختناق ایران*. ترجمه لینگ اف پرشیا، کلکته: جبل‌المتین.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۷۱). *گیلان در جنبش مشروطیت*. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کاظم زاده، فیروز (۱۳۷۱). *روس و انگلیس در ایران*. ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کسروی، احمد (۱۳۵۶). *تاریخ هجده ساله آذربایجان*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶). *شرح زندگانی من*. ج ۲، تهران: نشر هرمس.
- مکی، حسین (۱۳۷۴). *مقدمه تاریخ بیست ساله ایران*. (مقدمات تغییر سلطنت)، تهران: انتشارات علمی.
- ملک زاده، مهدی (۱۳۷۳). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: نشر سخن.
- ناظم، حسین (۱۳۷۱). *روسیه و انگلیس در ایران*. مترجم فرامرز محمد پور، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب.
- نظام‌الدین زاده، حسن (۱۳۷۷). *هجوم روس اقدامات روسای دین برای حفظ ایران*. به کوشش نصرالله صالحی، تهران: موسسه نشر و پژوهش شیرازه.
- نیکیتین، باسیل (۱۳۲۹). *ایرانی که من شناختم*. ترجمه و نگارش فره وشی (مترجم همایون سابق)، تهران: کانون معرفت.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۵۶). *دولت‌های ایران از مشروطیت تا اولتیماتوم*. تهران: نشر بابک.
- هدایت، مخبر السلطنه (۱۳۶۳). *گزارش ایران*. تهران: نشر نقره.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۵). *کودتاهای ایران*. تهران: نشر ماهی.

Research Article

***The Second National Assembly and the role of Britain and Russia in its dissolution***

**Ali Asghar Rajabi<sup>1</sup> and Vahid Najafi<sup>2</sup>**

Date of received: 2021/10/02

Date of Accept: 2021/10/17

**Abstract**

After years of efforts, Iran succeeded in obtaining the approval of the King (Mozaffar al-Din Shah) to form the National Assembly in 2006. The removal of Mohammad Ali Shah and the representation of Nasser al-Molk were important events until the formation of the second parliament. In Iran, a solid foundation had not been laid as necessary for the formation of a parliament and government that were in regular contact with each other. The presence of other governments in Iran, the most important of which were Russia and Britain, was itself a major obstacle. Also, the presence of great politicians, each of whom pursued his own policy, exacerbated the situation. With the formation of the parliament, ideas were raised to improve the situation in Iran, which resulted in a vote to hire an American adviser who was an important and neutral country. That's why Mr. Schuster came to Iran with a delegation and worked as the general treasurer. But first, by reducing the power of the aristocracy and elders, shortening the hand of foreigners in Iran, etc., he caused large-scale attacks against him. Despite Schuster's departure from Iran, the political pressure was so great that the second parliament was dissolved, resulting in the government and the viceroy taking over the main power. A number of books and articles on the ultimatum refer to the situation in Iran and the role of Russia, which are cited in this article as sources. We are going to point out the role of Britain and talk about British support for Russia. In this article, analytical-descriptive method and help from library resources have been used.

**Keywords:** Ultimatum, Russia, Britain, Second National Assembly, Dissolution of Parliament.

**Citation (APA 6th ed. / APSA)**

Rajabi, Ali Asghar; Najafi, Vahid (2022). "The Second National Assembly and the role of Britain and Russia in its dissolution". Translate by Haidari Amiri, *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 4, Num. 4, S.No. 16, pp. 15 - 36.

<sup>1</sup>. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: Aliasghar.rajabi@khu.ac.ir

<sup>2</sup>. Master of History of the Islamic Revolution. Department of History of the Islamic Revolution, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. Email: vnajafi97@gmail.com

## Resources

- Etehadiye, Mansoureh (2002), The Emergence and Development of Constitutional Political Parties, Publication of Iranian History, Tehran. (in Persian)*
- British Foreign Office documents and State Department publication. (in Persian)*
- Brands, George (1334) Russian and British Crimes against Iran, (Copenhagen, Denmark) National Assembly, Tehran.*
- Turkman, Mohammad (1991), Rasnadi on the British and Russian invasion of Iran, Office of Political and International Studies, Tehran. (in Persian)*
- Dolatabadi, Yahya (1362), Hayat Yahya, Attar Publishing, Tehran. (in Persian)*
- Dehkharghani, Reza (2536), Unpublished documents of the Iranian constitution and Qaei Naseri and the distribution of the ideology of two manuscripts, with an introduction by Ali Siahpoosh, Donya Publications, Tehran. (in Persian)*
- Rayen, Ismail (1345), An Introduction to Iranian Oppression, Mahi Publishing, Tehran. (in Persian)*
- Sykes, Percy (2001), History of Iran, translated by Fakhredai Gilani, Negah Publications, Tehran.*
- Schuster, Morgan (1915), The Oppression of Iran, translated by Ling F. Persia, Al-Matin, Calcutta.*
- Fakhraei, Ebrahim (1992), Gilan in the Constitutional Movement, Publications and Education of the Islamic Revolution, Third Edition, Tehran. (in Persian)*
- Kazemzadeh, Firooz (1992), Russia and Britain in Iran, Manouchehr Amiri, Islamic Revolution Publishing and Education, Tehran. (in Persian)*
- Kasravi, Ahmad (1977), The Eighteen-Year History of Azerbaijan, Amir Kabir Publications, Tehran. (in Persian)*
- Mostofi, Abdullah (2007), My biography, Vol. 2, Hermes Publishing, Tehran. (in Persian).*
- Maki, Hossein (1374), Introduction to the twenty-year history of Iran, (Introduction to the change of monarchy), Scientific Publications, Tehran. (in Persian)*
- Malekzadeh, Mehdi (1373), History of the Iranian Constitutional Revolution, Sokhan Publishing, Tehran. (in Persian)*
- Nazem, Hossein (1992), Russia and Britain in Iran, Translated by Faramarz Mohammadpour, Revolution Documentation Center Publishing, First Edition, Tehran. (in Persian)*
- Nizamuddin-zadeh, Hassan (1998), The Russian Invasion The actions of religious leaders to protect Iran, through the efforts of Nasrollah Salehi, Shirazeh Publishing and Research Institute. (in Persian)*
- Nikitin, Basil, (1329), The Iranian I Knew, translated and written by Farahvashi (translated by Homayoun Sabiq), Kanoon Marefat, Tehran.*

*Navai, Abdolhossein (1977), Iranian Governments from Constitutionalism to Ultimatum, Babak Publishing, Tehran. (in Persian)*

*Hedayat, Mokhber Al-Saltanah (1363), Iran Report, Silver Publishing, Tehran. . (in Persian)*

*Yazdani, Sohrab (2016), Coups in Iran, Mahi Publishing, Tehran. (in Persian)*





شؤون كاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
دانشگاه جامع علوم السان